

ظرفیت‌سنجی الگودهی مردم‌سالاری دینی ایران به کشورهای مسلمان منطقه

دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۰۹

علی کریمی‌مله*

پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۳۰

محسن حبیبی**

چکیده

انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یک تحول الگوساز منجر به‌نوعی نظام‌سازی شد که تغییرات مهمی را در عرصه‌های مختلف منطقه و جهان موجب گردید. یکی از ظرفیت‌های الگودهی اثربخش این نظام، عملیاتی کردن تئوری ولایت‌فقیه در قالب قانون اساسی و نهادمندسازی آن در قامت ساختار حقوقی - سیاسی جمهوری اسلامی ایران است که در قبال اشکال گوناگون نظام‌های سیاسی انسان‌مدار بدیلی شاخص تلقی می‌شود. گذشته از آن عدم پذیرش سلطه بین‌المللی و مقاومت هوشمندانه برای دفع آثار مخرب علیه اسلام‌هراسی و تبدیل آن به اسلام‌پذیری، جمهوری اسلامی را به صدای ملل مسلمان به‌منظور شکل‌دهی به ساختار قدرت نوین منطقه‌ای تبدیل کرده است. توانایی جمهوری اسلامی ایران بر جهت‌دهی افکار عمومی منطقه و احزاب سیاسی نشانه‌هایی از این اثرگذاری ارزیابی می‌شود که ثمرات آن در آینده مشهود خواهد شد. این نوشتار با بررسی داده‌های موجود، با روش توصیفی - تحلیلی، ضمن شناسایی چالش‌ها، ظرفیت‌ها و راهکارهای موجود در مسیر الگودهی انقلاب اسلامی به کشورهای مسلمان منطقه، احتمال انحراف این انقلاب‌ها از مسیر خویش را نیز تحلیل کرده است.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی ایران، الگوسازی، خاورمیانه، مردم‌سالاری دینی، ولایت‌فقیه

akm102000@yahoo.com

* استادیار علوم سیاسی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)

mohsenhabibi50@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه مازندران

وقوع انقلاب اسلامی ایران با گفتمان اسلامی- مردمی بر محوریت دین‌گرایی همه‌جانبه، عدالت و سلطه‌ستیزی توانست تحولات و معادلات نظام جهانی و منطقه‌ای (خاورمیانه) را تحت تأثیر خویش قرار دهد، زیرا انقلاب اسلامی ایران با الگوی حکومت دینی خویش بر محور ارزش‌های اسلامی و سیاست خارجی عدالت‌محور و استکبارستیز، ارزش‌ها و الگوی دو ایدئولوژی مسلط بر نظام جهانی یعنی لیبرالیسم و مارکسیسم را به چالش کشید.

تاکنون بسیاری از محققان داخلی (حشمت‌زاده، محمدی، خرمشاد و غیره...) و خارجی (اسپوزیتو و میشل فوکو) کوشیده‌اند، تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر ابعاد مختلف نظام جهانی را بررسی کنند. با وقوع جنبش‌های مردمی- دینی اخیر در خاورمیانه، باز هم دانشمندان داخلی و خارجی زیادی به ظرفیت سنجی الگوی انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یک آلترناتیو جدی، در راستای الگودهی به جریان‌های اخیر پرداخته‌اند؛ برای مثال، نوام چامسکی از جنبش‌های اخیر به‌عنوان جنبشی دین‌گرا در کنار عوامل دیگر تعبیر می‌کند. بعضی از نظریه‌پردازان غربی از جمله دیوید هلد زمینه جنبش‌های اخیر خاورمیانه را نتیجه رشد فرد جهانی شده و جامعه مدنی می‌دانند. بعضی از نظریه‌پردازان دیگر رشد و گسترش ارزش‌های لیبرال- دموکراسی غربی در سطح جهان و منطقه خاورمیانه را دلیل اصلی آگاهی مردمی و در نتیجه وقوع این تحولات می‌دانند. در مقابل دیدگاه‌های دانشمندان داخلی بیشتر بر محور بیداری اسلامی است. محقق روابط بین‌الملل با در پیش گرفتن هرکدام از این تعابیر و الگوهای مطالعاتی، می‌تواند نتایج متفاوتی از بررسی زمینه‌ها و جهت‌گیری این جنبش‌ها به دست دهد.

بر این اساس مبنای پژوهش حاضر پاسخگویی به دو سؤال اساسی است:

۱. ظرفیت‌ها و چالش‌های موجود در راستای تأثیرگذاری و الگودهی انقلاب اسلامی ایران به جنبش‌های اخیر در خاورمیانه چیست؟
۲. جمهوری اسلامی ایران برای استفاده بهینه از ظرفیت‌های موجود و همچنین رفع چالش‌های موجود، چه سیاستی را باید اتخاذ کند؟

با توجه به ماهیت مشترک دینی انقلاب اسلامی ایران با جنبش‌های اخیر در خاورمیانه نظام دینی این انقلاب می‌تواند الگویی مناسب برای این جنبش‌های دینی- مردمی محسوب

شود. مهم‌ترین چالش در تحقق این امر فعالیت غرب به رهبری آمریکا است. این پژوهش متشکل از سه بخش است: در بخش اول، ظرفیت‌های انقلاب اسلامی ایران حول محورهای پیشینه تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر تحولات جهان اسلام و خاورمیانه و همپوشانی زمینه‌ها و اهداف انقلاب‌های اخیر با گفتمان اسلامی - مردمی (مردم‌سالاری دینی) انقلاب اسلامی ایران بررسی خواهد شد. در بخش دوم، چالش‌های موجود در بطن این تحولات برای انقلاب اسلامی ایران در قالب دو محور بررسی خواهد شد: ۱. پیشینه تبلیغات منفی آمریکا علیه انقلاب اسلامی ایران در نظام بین‌الملل و منطقه ۲. احتمال انحراف جریان‌های دین‌گرا به وسیله استراتژی‌های برنامه‌ریزی شده غرب به رهبری آمریکا ۳. در بخش سوم راهکارهایی برای جمهوری اسلامی ایران (نماد عینی انقلاب اسلامی) در جهت فرصت‌سازی و رفع چالش‌ها با استفاده از برنامه‌ها و دیپلماسی راهبردی پیشنهاد داده شده است.

۱. ظرفیت‌ها

تحولات جهانی در بطن خود چالش‌ها و فرصت‌هایی برای اهداف و استراتژی کلان کشورها به وجود می‌آورد. از مهم‌ترین اهداف کلان انقلاب اسلامی، صدور الگوی حکومت دینی آن به سایر کشورهای جهان اسلام است. تحولات اخیر خاورمیانه، چالش‌ها و فرصت‌هایی برای نظام جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان نماد عینی انقلاب اسلامی در راستای تحقق این امر به وجود آورده است. برای یک نظام سیاسی، شناسایی ظرفیت‌ها در بطن تحولات داخلی و بین‌المللی، بخش مهم و کارکردی در راستای مدیریت منابع به شمار می‌رود، زیرا در صورت شناسایی دقیق ظرفیت‌های داخلی و پیرامونی خویش، از آن‌ها در راستای تحقق وظایف و اهداف خود استفاده بهینه خواهد کرد. انقلاب اسلامی که بر یک نظم دینی خاص مبتنی است، به‌عنوان یک نظام الگویی، در نظام کنونی جمهوری اسلامی ایران متبلور شده است. این بخش، ظرفیت‌های موجود در جنبش‌های دینی - مردمی اخیر در خاورمیانه برای انقلاب اسلامی ایران، در راستای الگودهی به این جنبش‌ها شناسایی و بررسی می‌شود. ۱. پیشینه تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر تحولات منطقه ۲. زمینه‌ها و اهداف شکل‌گیری جنبش‌های اخیر ۳. گفتمان اسلامی - مردمی انقلاب اسلامی ایران.

۱-۱. پیشینه تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر تحولات منطقه

پیروزی انقلاب اسلامی، نقطه عطفی در حرکت جنبش‌های اسلامی به حساب می‌آید، چراکه انقلاب ایران، مبتنی بر اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره) برخلاف جنبش‌های دیگر، به صورت حرکتی اسلامی و غیروابسته و با ماهیتی الهام‌بخش به سایر نهضت‌های اسلامی، به پیروزی رسید. تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر تحولات جهان اسلام و خاورمیانه، در چندین عامل وابسته به هم‌ریشه دارد که به دو عامل مهم اشاره می‌شود:

اولین عامل تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر جهان اسلام و خاورمیانه، ماهیت سلطه‌ستیزی آن بر محور عدالت است. انقلاب اسلامی ایران، با به مرکز درآوردن مبارزه با استکبار و سلطه جهانی، در تحولات جهانی، به‌ویژه جهان اسلام و خاورمیانه، تأثیر زیادی داشت. محوریت اسلام در ارزش‌ها و الگوی دینی انقلاب اسلامی ایران، توانست نظر جنبش‌ها و نهضت‌های رهایی‌بخش در منطقه و گروه‌های اسلام‌گرا را به خود جلب کند؛ از جمله این گروه‌ها، نهضت آزادی‌بخش فلسطین (ساف) و گروه‌های اسلام‌گرا در قالب اخوان‌المسلمین مصر، سوریه و... هستند (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۴، صص ۱۱۶-۱۲۵).

دومین عاملی که باعث استقبال گسترده کشورهای اسلامی از انقلاب اسلامی شد، حمایت از فلسطین در مقابل رژیم صهیونیستی بود. پیشتر حمایت اعراب از فلسطین به‌عنوان عربیت قومی و ناسیونالیسم عربی صورت می‌گرفت. اما حمایت انقلاب اسلامی از فلسطین جنبه اسلامی به این حمایت بخشید و به اسلامی شدن قضیه فلسطین انجامید که نقطه مشترک تمام مسلمانان، از اعراب گرفته تا عجم، محسوب می‌شود. تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر ساختار نظام بین‌الملل و تحولات منطقه‌ای، از دو جهت مادی و غیرمادی قابل بررسی است. درباره تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر تحولات جهان اسلام و خاورمیانه، نظریه‌پردازان غیرایرانی هم اظهار نظر کرده‌اند؛ از جمله «الکساندر هیک» می‌گوید:

به نظر من، خطرناک‌تر از این مشکلات بین‌المللی عواقب گسترش اسلام سیاسی است که در ایران پا گرفته و اکنون عراق و ثبات تمام رژیم‌های عرب میانه‌رو را در منطقه تهدید می‌کند. این پدیده اگر از کنترل خارج شود منافع ابرقدرت‌ها را به خطرناک‌ترین وجه به مخاطره خواهد انداخت.

به‌طور کلی می‌توان تحلیل کرد که آنچه تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر تحولات جهان اسلام را بیشتر کرده، تمایزات انقلاب اسلامی با انقلاب‌های دیگر، فراگیرتر (با حضور مردم و طبقات مختلف) و بر مبنای معنویات و ارزش‌های انسانی است؛ ارزش‌هایی که در انقلاب‌های مادی‌گرا همچون کمونیستی روسیه و لیبرالیستی فرانسه وجود ندارد (حشمت‌زاده، ۱۳۷۷، ص ۲۴۰). همین جذابیت‌ها و تفاوت‌ها توانسته است تحولات خاورمیانه و جهان اسلام را تا حدود زیادی متأثر سازد. «حامد الگار»، انقلاب اسلامی ایران را چنین تحلیل می‌کند: «انقلاب اسلامی ایران برعکس همه انقلاب‌ها تداوم و تعالی بخش مهمی از میراث اسلامی است. به یک معنی آغاز این میراث به قرن هفتم میلادی و گشوده شدن ایران به روی اسلام برمی‌گردد و یکی از عوامل مهمی که انقلاب اسلامی ایران را از تمامی انقلاب‌های دگرگون‌ساز متمایز می‌سازد، همین ریشه‌های عمیقی است که این انقلاب در گذشته تاریخی دارد. امروزه می‌بینیم که به اعتقاد صاحب‌نظران، آنچه که فرهنگ غربی را مورد تهدید قرار می‌دهد، همین سکولاریسم است که ملهم از انقلاب فرانسه است و امروزه تنها راه رهایی از این بحران را در احیای عنصر مذهب می‌دانند (حشمت‌زاده، ۱۳۷۷، ص ۲۳۸). در ادامه نمودهای تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر تحولات جهان اسلام و خاورمیانه، به‌صورت موردی موردبررسی قرار می‌گیرد.

مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹، گروه اخوان‌المسلمین، مکه را فتح کردند؛ شعارهای آن‌ها، وهابی بود ولی مبنی بر این اعتقاد بود که تنها راه مبارزه، راه امام حسین (ع) است. این عقیده و نیز اعتقاد به مهدویت (که هر دو از عناصر اصلی تشکیل‌دهنده انقلاب اسلامی بودند) باعث شد علما و حاکمان سعودی، آن‌ها را متهم به «خمینیسیم» بکنند. همچنین شورش ۴۰۰ هزار نفری شیعیان حضا در روز عاشورا، مقارن با انقلاب اسلامی و سرکوب آن‌ها به دست عمال سعودی، نشان از تأثیر انقلاب اسلامی در عربستان داشت (دکمجیان، ۱۳۷۷، صص ۲۵۷-۲۵۹). کودتای شیعیان بحرین به رهبری «سید هادی مدرسی»، شاگرد امام در حوزه علمیه نجف، در سال‌های مقارن با انقلاب و قیام مردم عراق در عاشورای ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) با سرکوب و کشتار آنان و اعدام «آیت‌الله سید محمدباقر صدر» چند ماه پس از انقلاب که به شکست انجامید، نیز از آثار عمیق انقلاب اسلامی در روند بیداری اسلامی و فعال شدن جنبش‌های اسلامی بود (دکمجیان، ۱۳۷۷، ص ۲۳۵). در سال‌های اخیر، پرونده

هسته‌ای ایران هم به وجهه انقلاب اسلامی ایران در نظام بین‌الملل و خاورمیانه افزوده است؛ زیرا ایستادگی ایران و دفاع از حق خود در مقابل دولت‌های غربی، بر اساس ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران که بر محور عدالت‌جویی و ایستادگی در برابر قدرت‌های جهانی و استکباری بود، توجه افکار عمومی خاورمیانه را به ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران جلب کرد. این موضوع، ظرفیت و فرصتی مناسب برای جمهوری اسلامی ایران، در راستای الگودهی به جنبش‌های اخیر در خاورمیانه، محسوب می‌شود.

در نتیجه‌گیری پایانی این بخش، می‌توان استدلال کرد که تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر رشد گروه‌های اسلام‌گرای جهان اسلام و خاورمیانه، از بدو وقوع تاکنون، ظرفیتی برای انقلاب اسلامی ایران در راستای عرضه الگوی حکومت دینی خویش به شمار می‌رود؛ زیرا این گروه‌ها در شکل‌گیری تحولات جدید، نقش پررنگی دارند.

۲-۱. زمینه‌ها و اهداف شکل‌گیری جنبش‌های دینی-مردمی اخیر

از آنجاکه زمینه‌ها و اهداف شکل‌گیری این انقلاب، رابطه مستقیمی با ایجاد ظرفیت‌ها و فرصت‌ها برای انقلاب اسلامی دارد، در این بخش به این موضوع پرداخته خواهد شد. زمینه‌ها و اهداف شکل‌گیری این جنبش‌ها در همه این کشورها (تونس، مصر، یمن، بحرین، لیبی، اردن و ...) به‌طور کامل یکسان نیست و در بعضی موارد، با توجه به ساختارهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تفاوت دارد؛ ولی همه این جنبش‌ها کم‌وبیش زمینه‌ها، اهداف و مطالبات یکسانی دارند که به شرح زیر است:

۱-۲-۱. جبران تحقیرهای گذشته در برابر سلطه همه‌جانبه تاریخی غرب و حضور رژیم صهیونیستی در منطقه

معمولاً انقلاب‌ها و جنبش‌ها، ریشه در عوامل تاریخی و وابسته به هم دارد. جنبش‌های اخیر خاورمیانه هم متأثر از این امر است. یکی از دلایل و زمینه‌های شکل‌گیری این جنبش‌ها و اهداف آن‌ها را می‌توان در قالب سلطه تاریخی غرب بر خاورمیانه، تجزیه و تحلیل کرد. مسلمانان هم‌زمان با رنسانس اروپا، در تقابل با دولت‌های جدید اروپایی که به‌مرور زمان شکل گرفته بودند، در همه عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی دچار انحطاط

شدیدی شدند. بعد از این حوادث و تسلط همه‌جانبه غرب بر مناطق استراتژیک جهان و جهان اسلام، دولت‌های سستی اسلامی تحت سیطره کامل دولت‌های غربی قرار گرفتند و در معادلات جدید جهانی به رهبری غرب، مستحیل شدند (دهشیر، ۱۳۹۰، صص ۴-۸).

بعد از حوادث ذکر شده، دانشمندان جهان اسلام از گذشته تا حال (اسدآبادی، عبده، کواکبی، عبدالرزاق، رشید رضا و...) به دنبال دلایل شکل‌گیری معادلات جدید و راه‌حل فرار از این وضعیت بوده‌اند. آن‌ها اندیشه‌های خویش را در سطح جهان اسلام گسترش دادند و یکی از راهکارهای همه‌آنان، بازگشت به اسلام ناب و اصیل و زدودن خرافات بود. همین اندیشه، از دو قرن پیش تاکنون زیربنای نهضت‌های اسلامی در خاورمیانه و جهان اسلام، در واکنش به تسلط همه‌جانبه غرب بوده است (قادری، ۱۳۸۰، صص ۲۱۴-۲۳۰). با پایان جنگ جهانی دوم، باز هم دولت‌های جدید خاورمیانه و نظام‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن‌ها تحت سیطره دولت‌های غربی، از جمله انگلیس، فرانسه و آمریکا درآمدند. بعد از اتمام نظام قیمومیت نیز دولت‌های خاورمیانه از جهات مختلف، به دولت‌های سرمایه‌داری غربی و در طی یک دوران، بعضی از این دولت‌ها (مصر و عراق) به شوروی وابسته بودند (Wickham, 2011, p.14)، با حمایت‌های انگلیس، آمریکا، و رژیم صهیونیستی با محوریت اسلام‌ستیزی و ناسیونالیسم یهودی در خاورمیانه شکل گرفت. بعد از وقوع سه جنگ بین دولت‌های عربی و رژیم صهیونیستی و شکست اعراب در مقابل رژیم صهیونیستی با حمایت‌های غرب، باز هم ملت‌های مسلمان خاورمیانه تحقیر شدند (AL-oraibi & Russell, 2011, p.159). ملت‌های خاورمیانه در واکنش به این عمل تاریخی، با هدف شکل‌گیری حکومت‌های مردمی-اسلامی، درصدد سرنگون ساختن حکومت‌های اقتدارگرای وابسته به غرب درآمدند. در ادامه، نمودهای واقعی این موضوع ذکر شده است.

مردم مصر در پی حمله هوایی نیروهای رژیم صهیونیستی به خاک کشورشان و به شهادت رسیدن پنج نظامی، خواستار قطع روابط با رژیم، اخراج سفیر رژیم صهیونیستی، لغو معاهده کمپ دیوید و قطع صدور گاز به رژیم صهیونیستی شدند. هزاران نفر از مردم قاهره با برگزاری تظاهرات در برابر سفارت رژیم صهیونیستی در قاهره، خواستار قطع روابط با رژیم صهیونیستی و اخراج سفیر از کشورشان شدند (Khaleei Times, 2011/8/19).

دستگاه قضایی مصر، تحقیقات خود را در خصوص کمک‌های مالی پنهانی آمریکا و عربستان به برخی احزاب و سازمان‌های غیردولتی مصر، به‌ویژه بعد از انقلاب ۲۵ ژانویه که هدفشان مقابله با احزاب اسلامی در انتخابات آینده است، آغاز کرده است و شهروندان اردنی با برپایی تظاهرات در شهرهای مختلف این کشور، درباره تحقق نیافتن اصلاحات، به عبدالله دوم، پادشاه اردن هشدار دادند. شهرهای مختلف اردن در جمعه موسوم به «جمعه حاکمیت»^۱، شاهد اعتراضات مردمی برای چندمین هفته متوالی بود. همچنین پس از سرنگونی زین‌العابدین بن علی، رئیس‌جمهور مخلوع تونس، مردم این کشور توانستند در ماه مبارک رمضان با آزادی کامل به اجرای مراسم خود بپردازند (ArabNews.Com, 2011/8/14).

۱-۲-۲. رسیدن به حقوق شهروندی در قالب حکومت‌های مردمی - اسلامی

در طول چند دهه گذشته، حکومت‌های اقتدارگر و وابسته به غرب در خاورمیانه، ملت‌هایشان را از حقوق شهروندی خویش محروم کرده بودند. در نتیجه این ملت‌ها با هدف شکل‌گیری حکومت‌هایی با شاخصه‌های مردمی و فرهنگی - دینی خویش، انقلاب کردند تا بتوانند هم حکومت‌های موردنظر خود را تشکیل دهند و هم از قبال این حکومت‌های مردمی به حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی‌شان برسند (Serfaty, 2011, p.134)؛ بنابراین، در یک کلام می‌توان گفت که رسیدن به حقوق شهروندی در قالب حکومت‌های مردمی - اسلامی، یکی از اهداف اصلی این جنبش‌هاست.

بعد از نیم‌قرن حاکمیت مستبدهای خودکامه در لیبی، اولین حزب سیاسی مستقل به نام «لیبی جدید» در شهر بنغازی، واقع در شرق لیبی، اعلام موجودیت کرد. فعالان و اعضای این حزب معتقدند رسالت و پیام حزب لیبی جدید، اخلاص به خداوند و اسلام‌گرایی و رهایی یافتن از حکومت طاغوت وابسته به غرب است (Khaleei Times, 2012, p.134). در همین راستا، به گزارش خبرگزاری فارس، «عبدالکریم بالحاج»، رئیس شورای نظامی طرابلس، در گفت‌وگو با این خبرگزاری گفت:

«انقلابی که از ۱۷ فوریه ۲۰۱۱ (۲۷ بهمن ۱۳۸۹) علیه سرهنگ قذافی شروع شده، یک انقلاب به تمام معنا اسلامی است. بالحاج تأکید کرد: در این انقلاب شعاری جز شعار «الله اکبر» شنیده نشد. بالحاج در پاسخ به این سؤال که مردم لیبی خواستار

چه نوع نظامی برای اداره کشور خود هستند، گفت: اکثریت مردم لیبی مسلمان و طبیعتاً خواستار یک سیستم اسلامی با رعایت همه حقوق شهروندی هستند؛ انقلاب ما اسلامی است و به همین خاطر به خیابان‌ها آمده‌اند».

در اولین اجلاس بین‌المللی تهران با موضوع «جوانان و بیداری اسلامی» که با حضور جمع زیادی از دانشمندان و روشنفکران و نخبگان جهان اسلام و سخنرانی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی برگزار شد، می‌توان اهداف و زمینه‌های شکل‌گیری تحولات اخیر را به‌عنوان ظرفیتی برای الگودهی انقلاب اسلامی تبیین کرد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره زمینه‌ها و اهداف شکل‌گیری جنبش‌های اخیر فرمودند:

«شعارها و رفتارهای مردم منطقه، نشان‌دهندهٔ اصول، ارزش‌ها و اهداف انقلاب‌های جاری در منطقه است و با استناد به این واقعیت، احیا و تجدید عزت و کرامت ملی پایمال‌شده به دست مستبدان فاسد و وابسته به آمریکا و غرب، از اصول درجه اول انقلاب‌های کنونی است و ... برافراشتن پرچم اسلام به‌عنوان تجلی اعتقادات عمیق و دیرین مردم، از دیگر اصول انقلاب‌های کنونی است و ملت‌های منطقه بر این اعتقادند که برخورداری از امنیت روانی، عدالت، پیشرفت و شکوفایی جز در سایه شریعت اسلامی به دست نخواهد آمد».

«منذر حبیبی»، عضو جمعیت فرهنگی تازه تأسیس «الموده» شیعیان تونس و شرکت‌کننده در همایش بین‌المللی «جوانان و بیداری اسلامی» در تهران، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران «ایکنا» گفت:

«رهبر انقلاب اسلامی ایران، آیت‌الله خامنه‌ای توصیه‌های ارزنده‌ای درباره بیداری اسلامی دارند که عمل به این توصیه‌ها می‌تواند راهگشای ملت‌های مسلمان باشد. وی در بخش دیگری از سخنان خود، با اشاره به توطئه‌های آمریکا، رژیم صهیونیستی برای انحراف انقلاب‌های منطقه تأکید کرد: آمریکا و رژیم صهیونیستی در هر شرایطی برای ضربه زدن به امت اسلام تلاش می‌کنند و هیچ‌وقت صحنه را خالی نکرده و با آخرین توان خود سعی دارند ملت‌های مسلمان را منحرف کنند. این قدرت‌های زورگو که بر غضب و اشغال بنا شده‌اند،

امروز نیز در جریان بیداری اسلامی، موضع خود را تغییر نداده و اهداف شوم خود را دنبال می‌کنند» (<http://www.hankh.ir/?=3108>).

از سخنان منذر حبیبی می‌توان تا حدود زیادی به اهمیت زمینه‌ها و شکل‌گیری جنبش‌های اخیر، به‌عنوان یک ظرفیت برای نظام الگویی انقلاب اسلامی، پی برد. آغاز بعضی از این حرکت‌ها ممکن است متأثر از برخی مطالبات اقتصادی و سیاسی باشد، ولی تبدیل مکان‌ها یا نهادهای مذهبی، نظیر نمازهای جمعه و جماعات و مساجد به خاستگاه این تحركات و نیز شعارهای اسلامی، نمایانگر جهت‌گیری اصلی آن‌هاست (رجبی، ۱۳۹۰، ص ۳۵). در صورت جهت‌گیری جنبش‌های اخیر به سمت حکومت‌های مردمی - اسلامی، احتمال الگوگیری این جنبش‌ها از انقلاب اسلامی ایران تا حد زیادی افزایش خواهد یافت و این می‌تواند منافع ملی آمریکا در خاورمیانه را که مبتنی بر ارزش‌های لیبرال - دموکراسی است، به خطر بیندازد (Greenburg & Smith, 2012, p.89). در شعارها، خواست‌ها و گروه‌بندی‌های معترضان، نشانه‌های فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد اعتراضات موجود در مقایسه با انقلاب اسلامی ایران، ممکن است در سطوح متفاوت‌تری تعریف شوند، اما می‌توانند به سمت الگوی حکومت دینی ایران حرکت کنند (Guirgui, 2012, p.57).

تردیدی نیست که این ملت‌ها به دنبال شکل‌گیری حکومت‌هایی بر مبنای حضور مردم و با توجه به فرهنگ خویش هستند. این موضوع در صورت پیروزی کامل این جنبش‌ها، نقش دین اسلام را به‌عنوان اصلی محوری، در ساختارهای سیاسی، اقتصادی و ... و در نتیجه در سیاست خارجی این کشورها، پررنگ خواهد کرد و می‌توان آن را ظرفیتی برای الگوی حکومت دینی انقلاب اسلامی در آینده نزدیک دانست.

۱-۲-۳. گفتمان اسلامی - مردمی (مردم‌سالاری دینی) در انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یک ظرفیت

هم‌پوشانی اهداف و زمینه‌های شکل‌گیری جنبش‌های اخیر، با گفتمان اسلامی - مردمی انقلاب اسلامی ایران که مبتنی بر شکل‌گیری نظامی سیاسی بر محور دین اسلام و مشارکت مردم (مردم‌سالاری دینی) است، ظرفیتی بالقوه برای نظام الگویی انقلاب اسلامی ایران

محسوب می‌شود. گفتمان اسلامی - مردمی ایران بر محور سه اصل کلی است که در ادامه بررسی می‌شود.

۱-۳-۲-۱. دین محوری همه‌جانبه

منظور از دین محوری همه‌جانبه، شکل‌گیری حکومتی اسلامی بر مبنای قوانین اسلامی در همه جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... است. اصل اساسی در جمهوری اسلامی ایران که منبث از انقلاب اسلامی می‌باشد، حاکمیت الهی است. این اصل، زیربنای تشکیل حکومت اسلامی است؛ زیرا جمهوری اسلامی ایران نظامی است بر پایه امر او بنا شده است. پس در این نظام، قدرت و حاکمیت در «الله» خلاصه شده است (هاشمی، ۱۳۸۷، صص ۳-۵) و به‌طور کلی، در نظم سیاسی اسلامی که هدف انقلاب اسلامی است و در جمهوری اسلامی ایران نمود پیدا کرده، دین، محور همه فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ... به‌شمار می‌رود.

۲-۳-۲-۱. عدالت محوری در سطح نظام داخلی

الگوی حکومت دینی انقلاب اسلامی ایران، عدالت را در دو سطح داخلی و بین‌المللی، مطمح نظر خویش قرار داده است. در سطح داخلی به عدالت و برابری افراد در نظام مقدس اسلامی تأکید شده است و نمود این برابری را می‌توان در اصل حاکمیت مردمی نظام جمهوری اسلامی ایران مشاهده کرد. طبق قانون اساسی، حاکمیت مردم، موهبت الهی است که هیچ‌کس حق سلب آن را ندارد. پس سلب حاکمیت، عملی غاصبانه است که همواره در مقابل آن باید ایستاد. همچنین هیچ‌کس حق انتقال حاکمیت مردم را به فرد یا گروهی خاص ندارد. بر این اساس، همه افرادی که مدیریت سیاسی جامعه را بر عهده دارند، تنها از طریق انتخابات سالم و صحیح، مشروعیت در اعمال قدرت از طرف مردم را خواهند داشت (هاشمی، ۱۳۸۷، ص ۵).

۳-۳-۲-۱. عدالت محوری در سطح نظام بین‌الملل و سلطه‌ستیزی

جایگاه عدالت بین‌المللی در اصول و اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران متبلور شده است. این رویکرد عدالت‌محور، حاکی از نفی سلطه و استکبارستیزی انقلاب اسلامی ایران است. اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از:

۱. سعادت انسان در کل جامعه بشری؛
 ۲. تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلامی؛
 ۳. حمایت از مبارزه حق طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران؛
 ۴. خودداری از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر و نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی؛
 ۵. اتحاد و ائتلاف ملت‌های اسلامی و وحدت جهان اسلام و تعهد برادرانه در برابر همه مسلمانان جهان؛
 ۶. عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و جلوگیری از نفوذ اجانب؛
 ۷. جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور؛
 ۸. استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی (ایزدی، ۱۳۸۴، صص ۱۳۱-۱۴۴).
- اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز عبارت‌اند از:
۱. برقراری و توسعه روابط با سایر کشورها؛
 ۲. ایجاد وحدت بین ملت‌های مسلمان جهان و افشای ماهیت استکبار جهانی؛
 ۳. حفظ استقلال و تمامیت ارضی؛
 ۴. دفاع از سرزمین‌ها و منافع مسلمین (ایزدی، ۱۳۸۴، ص ۶).
- قانون اساسی جمهوری اسلامی، بیشترین توجه و اهمیت را به تحقق اهداف بین‌المللی و خارجی نظام داده است. از جمله این اهداف، رسالت جهانی انقلاب اسلامی و صدور انقلاب به دیگر نقاط جهان است. هدف دیگر، حرکت برای پیروزی نهایی مستضعفان بر مستکبران است (مولانا و محمدی، ۱۳۸۷، صص ۲۶-۲۹).
- اگر زمینه‌های شکل‌گیری جنبش‌های اخیر را در دو اصل سلطه‌ستیزی در مقابل قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای و شکل‌گیری حکومت‌های مبتنی بر عدالت و دین خلاصه کنیم، به رابطه هم‌پوشانی گفتمان اسلامی - مردمی انقلاب اسلامی ایران با انقلاب‌های اخیر پی می‌بریم. این موضوع، فرصت و ظرفیتی مناسب برای انقلاب اسلامی ایران، در راستای تأثیرگذاری و الگودهی به جنبش‌های اخیر به شمار می‌رود.

۲. چالش‌های موجود در بطن جریان‌ها

شناسایی چالش‌های به وجود آمده در تحولات و بحران‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، برای یک نظام سیاسی، به اندازه شناسایی ظرفیت‌ها، اهمیت کارکردی دارد؛ زیرا با استفاده از ظرفیت‌های خویش و مدیریت منابع می‌تواند هر چالشی را در راستای اهداف و استراتژی کلان خویش برطرف سازد. چالش‌هایی را که در بطن حوادث اخیر در خاورمیانه برای انقلاب اسلامی ایران وجود دارد، می‌توان حول دو محور اساسی بررسی کرد: ۱. پیشینه تبلیغاتی منفی آمریکا علیه نظام جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل و منطقه ۲. احتمال منحرف شدن جریان‌های دین‌گرا در پی اهداف استراتژی‌های قدرت‌های جهانی.

۲-۱. پیشینه تبلیغاتی منفی آمریکا علیه انقلاب اسلامی ایران

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و جهت‌گیری خاص این انقلاب با توجه به اهداف و استراتژی کلان خویش، یعنی صدور الگو و ارزش‌های انقلاب اسلامی به نظام بین‌الملل و جهان اسلام، دو واکنش متفاوت در قبال آن، در نظام بین‌الملل و بالتبع خاورمیانه شکل گرفت؛ گروه اول، شامل ملت‌های مستضعف و نهضت‌های رهایی‌بخش و ضد استعمار^۳، به وقوع انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یک امر روحیه‌بخش نگریستند و با توجه به ساختارها و ظرفیت‌های سیاسی، فرهنگی - دینی، اجتماعی و اقتصادی خویش، از الگو و ارزش‌های آن تأثیر پذیرفتند. نهضت رهایی‌بخش فلسطین (ساف)، اخوان‌المسلمین مصر، سوریه و غیره و همچنین گروه‌ها و نهضت‌های جهان سوم و حتی جهان سرمایه‌داری از این دسته هستند.

گروه دوم، یعنی دولت‌های سرمایه‌داری غربی به رهبری آمریکا و بعضی کشورهای سوسیالیست به رهبری شوروی، اهداف و الگوهای این انقلاب را برای نظم دوقطبی جهان، استراتژی و ایدئولوژی خویش خطرناک دیدند و کوشیدند مانع گسترش الگو و ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران در نظام بین‌الملل و به‌ویژه جهان اسلام و خاورمیانه شوند. در همین راستا، ابتدا به مقابله نظامی (جنگ تحمیلی) و تحریم روی آوردند و بعد از ناکارآمدی این شیوه، استراتژی جنگ روانی را برای مقابله با انقلاب اسلامی ایران در پیش گرفتند. در سطح کلان، سیاست‌های راهبردی آمریکا در جنگ نرم با ایران در منطقه ژئواستراتژیک خاورمیانه، حول پنج محور اساسی است: القای اسلام‌هراسی، القای شیعه‌هراسی، القای سنی‌هراسی، القای

ترس از انقلاب اسلامی ایران‌هراسی (Zakaria, 2008, pp.59-63)؛ برای مثال، طرح موضوع هلال شیعی در شیعه‌هراسی؛ نشان دادن چهره خشن از اسلام، در اسلام‌هراسی؛ خطرناک جلوه دادن ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران برای منطقه در القای ترس از انقلاب اسلامی؛ و انتشار اخبار کذب درباره قدرت هسته‌ای ایران در ایران‌هراسی قرار می‌گیرد. همچنین نشان دادن چهره بد از سنی‌ها در نگاه شیعیان، در بحث سنی‌هراسی تحلیل شدنی است. در کنار این پنج سیاست، نمایش تصویری زیبا و مدینه فاضله از تمدن غرب و زندگی غربی، در دستور کار آن‌ها قرار دارد. آمریکایی‌ها به استثناگرایی معتقدند. ملت آمریکا را یک ملت استثنا فرض می‌گیرند. آن‌ها تصور می‌کنند که الگوی جهانیان هستند و خود را شهری بر فراز تپه می‌دانند (Zakaria, 2008, p.64). با توجه به اینکه استثناگرایی آمریکا در قالب نظم نوین جهانی بر محوریت لیبرال-دموکراسی آمریکایی است، انقلاب اسلامی ایران با عرضه الگو و ارزش‌های معنوی خویش که جایگاهی در لیبرال-دموکراسی ندارد، استثناگرایی آمریکا در نظام جهانی و خاورمیانه را به چالش کشیده است.

«جوزف نای» از ترکیب قدرت نرم با قدرت سخت سخن می‌گوید و آن را قدرت هوشمند می‌نامد. از منظر او، آمریکا باید با کشورهایی چون ایران که موجب همسویی منافع سایر تهدیدکنندگان منافع ایالات متحده در خاورمیانه می‌شوند، هوشمندانه مقابله کند. آمریکا باید نگران استراتژی‌هایی باشد که به دشمنانش کمک می‌کند نیروهای ناهمگون را تحت یک پرچم، متحد سازند. ایالات متحده داستان خوبی برای روایت کردن در اختیار دارد، اما ناکامی‌هایش در ترکیب قدرت سخت و نرم در یک استراتژی هوشمند بدین معنی است که اغلب اوقات راه خود را می‌رود و قصه خود را می‌سراید و این می‌تواند مخرب باشد (Nye, 2009, p.120).

در مجموع، به نظر نویسندگان این پژوهش، استراتژی نرم غرب به رهبری آمریکا علیه نظام جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه را می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱. مرعوب‌سازی دولت‌ها و ملت‌های خاورمیانه از خطر ایران برای منطقه، با طرح موضوعاتی همچون خطر گسترش سلاح‌های هسته‌ای و تروریسم ایران؛

۲. ترویج سکولاریسم، لیبرال-دموکراسی غربی در خاورمیانه، در تقابل با الگوی اسلامی

جمهوری اسلامی ایران؛

۳. مقابله با فرهنگ دینی و مذهبی ایران و جلوگیری از گسترش آن به کشورهای دیگر خاورمیانه؛

۴. عرفی سازی حکومت‌های خاورمیانه و ترویج پلورالیسم دینی؛

۵. تشدید اختلافات قومی و مذهبی در ایران و همچنین اختلافات کشورهای خاورمیانه با ایران، در قالب دو قوم عرب و فارس و دو مذهب شیعه و سنی؛

۶. تشنج‌زدایی و عادی سازی روابط دولت‌ها و ملت‌های عربی منطقه با رژیم صهیونیستی در تقابل با استراتژی جمهوری اسلامی ایران در جبهه‌گیری امت مسلمان علیه حضور و سیاست‌های رژیم صهیونیستی در منطقه.

با توجه به بحث‌های مطرح‌شده، به نظر می‌رسد که یکی از چالش‌های مهم برای جمهوری اسلامی ایران در راستای اهداف انقلاب اسلامی، پیشینه تبلیغات منفی آمریکا و غرب، علیه نظام جمهوری اسلامی، با استفاده از استراتژی دیپلماسی عمومی در جهان و خاورمیانه است.

۲-۲. احتمال منحرف شدن جریان‌های انقلابی از اصول خویش (حکومت‌های دینی - مردمی)

راهپیمایی مردم تونس در اعتراض به اوضاع بد اقتصادی، جرقه‌ای بود که نقطه آغاز قیام‌ها و جنبش‌های سلسله‌وار در کشورهای منطقه شد. نکته حائز اهمیت در مورد این جنبش‌ها این بود که خواسته‌های مردم در سطح مسائل اقتصادی باقی نماند و با زیربنای اسلامی، به حوزه‌های دیگر از جمله حوزه‌های سیاسی و اجتماعی تسری یافت. از این زمان به بعد، آمریکا و اروپا استراتژی‌ها و سناریوهایی را بر اساس اولویت‌های منافع ملی خود، برای مدیریت اوضاع خاورمیانه و شمال آفریقا طراحی و اجرا کردند. این استراتژی برنامه‌ریزی شده بر اساس موج‌سواری دموکراتیک (استراتژی چندمرحله‌ای) می‌تواند در جریان واقعی این جنبش‌ها (حکومت‌های دینی - مردمی) اخلال ایجاد کند و در نتیجه، چالش عمده برای الگوی حکومت دینی انقلاب اسلامی ایران محسوب خواهد شد. در ادامه، استراتژی‌های چندمرحله‌ای آمریکا و غرب در واکنش به جریان‌های اخیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱. حمایت از اصلاحات در راستای حفظ متحدان و جلوگیری از تحولات سریع

آمریکا و غرب در اولین گام بعد از شکل‌گیری جنبش‌های اخیر، برای جلوگیری از گسترش و عمیق شدن بحران در منطقه علیه متحدان خویش، سیاست اصلاحات را در دستور کار خود قرار دادند تا از این رهگذر، از سقوط هم‌پیمانان خویش در منطقه جلوگیری کنند (Drezner, 2012, p.75). آمریکا امیدوار بود با این اقدامات بتواند نارضایتی مردمی را کاهش دهد و اوضاع را تحت کنترل خود درآورد.

۲-۲. حفظ مهره‌های وابسته به خود در راستای اهداف استراتژیک آینده

در مرحله بعد و پس از مشاهده سقوط بن علی و حسنی مبارک، غربی‌ها و در رأس آن‌ها آمریکا کوشیدند بقایای حکومت‌های دست‌نشانده خود را حفظ کنند و مهره‌های هم‌فکر و هم سو با غرب را به‌عنوان گزینه جایگزین مطرح سازند. حمایت آمریکا از دولت موقت تونس و نخست‌وزیری «عمر سلیمان» و شورای نظامی حاکم بر مصر، در این راستا صورت گرفت. با استعفای «محمد الغنوشی» از ریاست دولت تونس و تحت فشار قرار گرفتن شورای نظامی حاکم بر مصر در پی ادامه اعتراضات مردمی، آمریکا ناچار شد سناریوی فرسایشی کردن روند جنبش‌ها را اجرا کند تا موج اعتراضات مردمی در تونس و مصر را که دچار نوعی خلأ قدرت شده بودند، فرونشاند (NewsArab.com, 2011/8/20).

۲-۳. فرسایشی کردن روند انقلاب‌ها در جهت جلوگیری از تحولات سریع و ناگهانی

در مرحله بعد، آمریکا در راستای سیاست صبر و انتظار، استراتژی فرسایشی کردن روند جنبش‌های مردمی - دینی اخیر را در پیش گرفت تا بتواند نتایج این جنبش‌ها را به سود اهداف خویش در خاورمیانه هدایت کند. آمریکا فرسایش نرم را که عمدتاً در حوزه سیاسی شکل می‌گیرد، برای این کشورها در نظر گرفت؛ بدین طریق که تلاش کرد با حفظ بدنه رژیم ساقط‌شده و بر سر کار آوردن مهره‌های وابسته، دوران انتقالی را در این کشورها به سمت وسوی دلخواه خود سوق دهد و ساختار دولت‌های آینده را به نحوی قرار دهد که به راحتی بتواند طی یک فرایند کوتاه‌مدت، منافعش را تأمین کند؛ برای مثال، در فرایندی که

مصر در حال طی کردن آن است، اجرای این سناریو را آشکارا می‌توان مشاهده کرد (Bahrain online News, 2011/8/19).

۲-۲-۴. الگوسازی برای فرایند دولت‌سازی پس از دوران گذار در مقابل الگوی حکومت دینی- مردمی

از آنجاکه لیبرال-دموکراسی آمریکایی و غربی، الهام‌بخشی خود را برای مردم خاورمیانه و کشورهای عربی از دست داده است، آمریکا می‌کوشد ترکیه را به‌عنوان الگوی یک کشور مسلمان دموکراتیک و سکولار که متحد استراتژیک رژیم صهیونیستی، آمریکا و غرب است، به ملت‌های منطقه معرفی و از این طریق، در آینده نزدیک بر فرایند دولت‌سازی در این کشور اثر بگذارد (Byman, 2011, p.139); به‌طور کلی غربی‌ها سعی می‌کنند جریان‌های اخیر را به سمت مدل‌های لیبرال-دموکراسی غربی هدایت کنند تا از ورود الگوی حکومت دینی انقلاب اسلامی ایران به اندیشه انقلابیون جلوگیری کنند.

۲-۲-۵. مداخله نظامی و سرکوب در راستای اهداف استراتژیک و جلوگیری از شدت بحران

مداخله نظامی، آخرین گزینه پیش روی آمریکا و کشورهای اروپایی برای حفظ منافع خود در خاورمیانه است. سناریوی مداخله نظامی که آمریکا و متحدان اروپایی‌اش برای سرکوب جنبش‌های مردم، در مواجهه با بحران لیبی در پیش گرفته‌اند، جبهه سومی را به روی این کشورها در منطقه باز می‌کند (AL-oraibi & Russell, 2011, pp.159-160) و غربی‌ها سعی می‌کنند با مداخله نظامی، روند تحولات را همسو با منافع و اهداف خویش در خاورمیانه پیش ببرند.

۳. راهکارهای پیشنهادی برای بهینه‌سازی فرصت‌ها و رفع چالش‌ها

با توجه به آنچه آمد، به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران برای استفاده بهینه از فرصت‌ها و از بین بردن چالش‌های پیش رو، نیازمند اتخاذ کردن یک دیپلماسی راهبردی و هوشمندانه در راستای این مسئله مهم یعنی «الگوپذیری جنبش‌های اخیر از الگوی انقلاب اسلامی ایران» است. نویسندگان این مقاله در این زمینه چند راهکار اساسی پیشنهاد داده‌اند که عبارت‌اند از:

۳-۱. برگزاری مداوم اجلاس‌های تخصصی داخلی و بین‌المللی

عموماً دولت - ملت‌ها در سطح بین‌الملل در پی تأثیرگذاری هر چه بیشتر بر معادلات نظام جهانی و منطقه‌ای، با توجه به اهداف و استراتژی‌های کلان خویش هستند. یکی از راهکارهای اساسی دولت‌ها در این زمینه، به‌کارگیری و استفاده از نظریات نخبگان فکری و متخصصان مربوطه، در قالب‌های اتاق فکر و برگزاری اجلاس‌های تخصصی است.

از این رو، جمهوری اسلامی ایران نیز در راستای تحولات اخیر (ریشه‌ها، پیامدها، آینده تحولات و راهکارها) باید با حمایت دستگاه‌هایی همچون وزارت امور خارجه و با دعوت از دانشمندان داخلی و بین‌المللی، به برگزاری اجلاس‌های تخصصی همت گمارد. حضور نخبگان و دانشمندان و عرضه راهکار در این اجلاس‌ها، ضریب تأثیرگذاری الگوی حکومتی جمهوری اسلامی ایران را بر جنبش‌های اخیر بالا می‌برد. البته جمهوری اسلامی ایران در زمینه حمایت از انتفاضه فلسطین و دعوت از فعالان سیاسی جهان اسلام و دیگر نقاط جهان، برای شرکت در اجلاسی که به کوشش دفتر حمایت از انتفاضه، وابسته به مجلس شورای اسلامی، هر چهار سال یک‌بار برگزار می‌شود، می‌تواند فعالیت خوبی داشته باشد. پنجمین نشست این اجلاس، با حضور رهبر جمهوری اسلامی در نهم و دهم مهر ۱۳۹۰ برگزار شد. شرکت‌کنندگان، در بیانیه پایانی پنجمین اجلاس بین‌المللی انتفاضه، با قدردانی از مجموعه مواضع و تدابیر حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی در حفظ و تقویت مردم فلسطین، سخنرانی ایشان را به‌عنوان سند رسمی و میثاق اجلاس ثبت کردند (<http://www.tabnak.ir/fa/news>).

برگزاری این اجلاس‌ها، از دو جهت می‌تواند در استفاده بهینه از ظرفیت‌ها، مفید باشد؛ اولاً شکل‌گیری چنین اجلاس‌هایی، اهمیت این تحولات را برای جمهوری اسلامی ایران، در نظام بین‌الملل و به‌ویژه افکار عمومی جهان اسلام و انقلابیون، به اثبات می‌رساند. در مرحله بعد، حضور نخبگان و رهبران جنبش‌ها در این اجلاس‌ها، بر اندیشه آن‌ها اثرگذار است.

۳-۲. حمایت‌های معنوی و در صورت لزوم مادی، از جریان‌های انقلابی

در طول تاریخ، همواره دولت‌ها در جهت تأثیرگذاری بر تحولات دولت‌های دیگر و حتی نظام بین‌الملل، در راستای اهداف کلان خود، به تقویت جریان‌های موافق خویش پرداخته‌اند.

دستگاه سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران باید پیوسته از اهداف و حقوق انقلابیان در مقابل دولت‌هایشان و دخالت نکردن قدرت‌های بزرگ در روند تحولات اخیر، در سازمان‌های بین‌المللی در سطح سران و غیره حمایت کند. جمهوری اسلامی باید مشروعیت اهداف و حقوق شهروندی انقلابیون را تأیید کند و در صورت لزوم، از این انقلاب‌ها حمایت‌های مادی (نه نظامی) به عمل آورد. حمایت‌های معنوی جمهوری اسلامی ایران از این انقلاب‌ها، می‌تواند موجب ظرفیت‌سازی در راستای الگودهی انقلاب اسلامی به این انقلاب‌ها شود؛ زیرا این حمایت‌ها، مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران را در افکار انقلابیون، تثبیت خواهد کرد. البته جمهوری اسلامی ایران در این زمینه حمایت‌های معنوی زیادی انجام داده است، باین حال این امر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۳-۳. مدیریت ظرفیت رسانه‌ای

در عصر حاضر، فرهنگ و الگوهای جذاب که می‌تواند حامل قدرت نرم باشد، به واسطه تبادل ارتباطی اشاعه داده می‌شود. تبادل ارتباطی، فرایندی است که از طریق آن بازیگران، تفاسیر و تلقیات خود از امور و پدیده‌های جهانی را به یکدیگر انتقال می‌دهند. اهمیت تبادل از این روست که بازیگران را قادر می‌سازد باورهای ذهنی و جهان‌بینی شخصی را به اطلاعات عمومی بدل کنند؛ زیرا یک باور و تفکر شخصی، تنها زمانی که از طریق ارتباطات به اطلاعات عمومی تغییر شکل دهد، این امکان را می‌یابد که به‌عنوان یک حقیقت اجتماعی و بخشی از فرهنگ - واقعیت مطرح گردد. در نتیجه، چیرگی طرز فکر یک بازیگر بر دیگران، به استراتژی ارتباطی وی بستگی دارد؛ یعنی اینکه او در مقام گوینده چگونه تفسیر خود را از مجرای تبادل ارتباطی، برای شنوندگان بیان می‌کند. بر این اساس، اینکه گوینده چگونه سخن می‌گوید، به مراتب اهمیت بیشتری دارد از اینکه گوینده چه کسی است، چه می‌گوید و برای که می‌گوید (Bially, 2007, pp.106-107).

در اینجا می‌توان این مسئله را روشن کرد که رسانه‌ها چه نقش کلیدی و سرنوشت‌سازی در خدمت به بازیگر دارنده قدرت نرم، ایفا می‌کنند. جمهوری اسلامی ایران باید با راه‌اندازی شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای در سطح منطقه‌ای و جهانی، به تفسیر این تحولات در راستای بیداری اسلامی بپردازد. تحقق این امر می‌تواند به استفاده بهینه جمهوری اسلامی از

ظرفیت‌های موجود جریان‌های اخیر، منجر شود. البته جمهوری اسلامی ایران باید بر دستاوردهای انقلاب اسلامی در قالب نظام جمهوری اسلامی ایران، از جمله دستاوردهای علمی (انرژی اتمی، فناوری نانو، پزشکی و...)، سیاسی (استقلال در برابر قدرت‌های استعماری و...)، توسعه مردم‌سالاری دینی در نظام داخلی ایران و... در سطح ملی و بین‌المللی مانور ویژه‌ای داشته باشد.

۳-۴. استفاده بهینه از گفتمان اسلامی - مردمی انقلاب اسلامی

چنان‌که پیش‌تر ذکر شد، گفتمان اسلامی - مردمی انقلاب اسلامی، بر محور «دین، عدالت و سلطه‌ستیزی» است. این گفتمان در افکار عمومی منطقه و جهان اسلام اهمیت ویژه‌ای دارد. با توجه به اهداف و زمینه‌های انقلاب‌های اخیر که در بخش‌های پیشین مطرح شد، جمهوری اسلامی ایران باید بر گفتمان اسلامی - مردمی انقلاب اسلامی ایران در قبال تحولات اخیر، مانور ویژه‌ای دهد. رویکرد دستگاه‌ها و وزارت خانه‌های مرتبط با سیاست خارجی، از جمله شورای عالی امنیت ملی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، وزارت امور خارجه و مجلس شورای اسلامی، در زمینه تحولات اخیر، تأثیر ویژه‌ای در استفاده بهینه از ظرفیت‌ها دارد؛ برای مثال، حمایت از برگزاری تظاهرات روز قدس (عنصر سلطه‌ستیزی و استکبارستیزی) که در اهداف انقلاب اسلامی، شکل‌گیری این تحولات و افکار عمومی انقلابیون، جایگاه ویژه‌ای دارد و نیز تظاهرات ۲۲ بهمن (عنصر عدالت‌محوری و دین‌محوری به خاطر ماهیت دینی - مردمی نظام انقلاب اسلامی) که باز هم نقطه عطفی در پیشینه و زمینه‌های شکل‌گیری این انقلاب‌هاست، در کمک به الگودهی انقلاب اسلامی ایران به انقلاب‌های اخیر نقش مهمی ایفا می‌کند.

جمع‌بندی

وقوع انقلاب اسلامی ایران، معادلات جدیدی با محوریت دین، در تقابل با دو جریان سرمایه‌داری غرب به رهبری آمریکا و سوسیالیسم به رهبری شوروی که هر دو نقش دین را در جامعه امروزی نفی می‌کردند، به وجود آورد. بعد از فروپاشی شوروی و شکل‌گیری جهان تک‌قطبی، انقلاب اسلامی، باز هم به‌عنوان یک آلترناتیو جدی در مقابل نظم نوین جهانی با محوریت لیبرال - دموکراسی و به رهبری آمریکا، مطرح است.

با توجه به استراتژی کلان انقلاب اسلامی ایران که بر گسترش الگوی حکومت دینی خویش به جهان اسلام، خاورمیانه و حتی نظام بین‌الملل متمرکز است، تحولات جهانی و منطقه‌ای، در بطن خویش برای انقلاب اسلامی ایران، موجد ظرفیت‌ها و چالش‌هایی است. وقوع جنبش‌های اخیر در خاورمیانه نیز برای نظام جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان نمود عینی انقلاب اسلامی ظرفیت‌ها و چالش‌هایی پدید می‌آورد. ظرفیت‌های موجود در این جنبش‌ها برای انقلاب اسلامی ایران را می‌توان حول دو محور اصلی بررسی کرد: ۱. پیشینه تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر تحولات منطقه‌ای در قالب گروه‌های اسلام‌گرا و ۲. زمینه‌ها و اهداف جنبش‌های اخیر که همسو با گفتمان اسلامی - مردمی انقلاب اسلامی ایران (مبتنی بر دین‌محوری، عدالت‌محوری و سلطه‌ستیزی) است. چالش‌های موجود در راه تأثیرگذاری و الگودهی انقلاب اسلامی به انقلاب‌های اخیر نیز عبارت‌اند از: ۱. پیشینه تبلیغات منفی آمریکا علیه نظام جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه و نظام بین‌الملل و ۲. انحراف احتمالی جریان‌های انقلابی به‌وسیله استراتژی‌های برنامه‌ریزی‌شده، حول محور موج‌سواری دموکراتیک (استراتژی چندمرحله‌ای).

در این پژوهش، برای استفاده بهینه جمهوری اسلامی ایران از ظرفیت‌ها و رفع چالش‌های احتمالی پیش رو، راهکارهایی پیشنهاد شد که عبارت‌اند از: ۱. برگزاری اجلاس‌ها و نشست‌های مداوم تخصصی؛ ۲. حمایت‌های معنوی و در صورت لزوم مادی از انقلابیون؛ ۳. استفاده بهینه از ظرفیت رسانه‌ای؛ ۴. استفاده بهینه از ظرفیت‌های گفتمان انقلاب اسلامی ایران. به نظر می‌رسد با توجه به ماهیت تحولات اخیر، جمهوری اسلامی در صورت اتخاذ و عملیاتی کردن یک دیپلماسی راهبردی و هوشمندانه، می‌تواند تا حد زیادی بر حکومت‌های برآمده از این جنبش‌های تأثیرگذار باشد.

1. Friday Rule.
2. psychological security
3. anti-colonial

کتابنامه

- ایزدی، بیژن (۱۳۸۴). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: بوستان کتاب قم.
- بیانیه پایانی اجلاس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین (۱۳۹۰). برگرفته از: <http://www.tabnak.ir/fa/news>
- حشمت‌زاده، محمدباقر (۱۳۷۷). *تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- دکمجیان، هرایر (۱۳۷۷). *جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب بررسی پدیده بنیادگرایی اسلامی*، ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان.
- دهشیار، حسین (۱۳۹۰). «بهار عرب، شورش بر مدرنیته وارداتی»، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، سال بیست و پنجم، شماره ۲۶، صص ۳۰-۳۱.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۷). «تأثیرات منطقه‌ای و بین‌المللی انقلاب اسلامی ایران»، برگرفته از: <http://www.jamejamonline.ir/papertext.aspx?newsnum=10089632133>
- رجبی، امیر مختار (۱۳۹۰). *رساناس خاورمیانه با رویکرد اسلامی*، برگرفته از: http://www.javanonline.ir/cbc532_vdciwva.html
- روزنامه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰). «پرشکوه‌ترین روز جهانی قدس با ورود ملت‌های مسلمان به صحنه»، سال سی و دوم، ش ۲۳۲، ص ۱۸.
- فاضلی‌نیا، نفیسه (۱۳۸۴). «علل نگرانی غرب از انقلاب با تأکید بر ژئوپلیتیک شیعه»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال ۹، ش ۳۶، ص ۲۳.
- فوکو، میشل (۱۳۸۹). *انقلاب ایران*، برگرفته از: <http://www.ebtekarnews.com/ebtekar/news=?nid=61633>
- قادری، حاتم (۱۳۸۰). *اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران*، تهران: سمت.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۷). *آینده نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات وزارت خارجه.
- مولانا، حمید و محمدی، منوچهر (۱۳۸۷). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی‌نژاد*، تهران: نشر دادگستر.

هاشمی، سید محمد (۱۳۸۷). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، حاکمیت و نهادهای سیاسی، نشر میزان.

- Al-oraibi, Mina & Russel, Gerard (2011). "The Trust Deficit Seven Steps forward for u.s-Arab Dialogues", *Washington Quarterly*, Summer.
- Arab News.com (2011/8/20). "Bahrain: Gulf Troop to Stay as Counter to Iran", available: www.arabnews.com/darticlen.asp.
- Bahrain online News (2011/8/19). "We Are all Hammed Campaigne to be Launched", available at: <http://www.Bahrainonlinenews.com>.
- Bially, Mateern Janice (2007). "Why Soft Power isn't so Soft: Representational Force and Attraction in Wold Political", In *Power in World Politics*, Edited by Felix Berned & M.J. Wiliams, Politics, London & New York: Routledge.
- Bayman, Daniel (2011). "Israel's Pessimistic View of the Arab Spring", *Washington Quarterly*, Summer.
- Drezerner, Daniel W. (2011). "Does Obama a Grand Strategy", *Foreign Affairs*, July/Agust.
- Greenburg, Douglas N. & Smith, Derek D. (2011). "Aiding Friend and Foes in Palestine", *Foreign Affairs*.
- Guirguis, Dina (2011). "Egypt after the Revolution: An Early Assessment", *Washington Institute for Near East Policy*, April.
- Khaleei times, (2011/8/19). "GCC Urges UN to Hart Interference by Iran", available at: <http://www.khaleeitimes.com/darticlen.asp/>.
- Nye, Joseph (2009). "Get Smart", *Foreign Affairs*, July/ Agust.
- Serfaty, Simon (2011). "Into Apost-Western World", *Washington Quarterly*, Spring.
- Slackman, Michael (2011/3/17). "Bullets Stall Youthful Push for Arab Spring", *New York Times*, available at: <http://www.nytimes.com>.
- Wickman, Carrie Rosefky (2011). "The Muslim Brotherhood after Muarak", *Foreign Affairs*, February.

